

## فساد اداری در افغانستان و عوامل اساسی آن

بدون شک پدیده های مثبت و منفی در جوامع مختلف بشری دارای عوامل مختلف اساسی، فرعی، داخلی و خارجی اند. یکی از پدیده های منفی که تمام دستگاه دولتی کشور ما را فرا گرفته است همان فساد اداری جانکاه است که غیر قابل تحمل بوده و دارد که تمام آرزو های مردم ما را به نابودی خواهد کشانید.

میخواهم توضیح کنم که یکی جنایت کار و متخلف است که مراجع حاکمیت قانون آنرا مورد پیگرد و تعقیب قرار داده و میخواهند متخلف را به پنجه قانون بسیارند. این حالت در تمام جوامع بشری کم و بیش بوده و خواهد بود.

حالت دیگر حالتی است که متخلف و جنایت کار حاکمیت دولتی و قدرت سیاسی را بدست دارد و در حمایت حاکمیت دولتی و با توانایی خرید قدرت سیاسی جنایت و تخلف میپردازد. این نوع را جنایت کار نوع مافیایی و موجودیت روابط مافیایی در یک کشور و جامعه معین گویند. متأسفانه در کشور ما اکثر حالت درین نوع دوم آن میباشد. بلی همان نوعی که یکی از مظاهر آن عدم موجودیت اراده سیاسی برای تعقیب و پیگرد متخلف میباشد و به این حالت تمامی حلقه های کلیدی کشور به شمول شخص اول اعتراف دارند. نمیدانم چه میخواهند بگویند اما معنی اول سخن این است که خود میدانیم که مشکل درخود ماست و ما خود متخلفیم. درین صورت شکایت از کی است؟ در این صورت که توانایی تصحیح درین ده سال گذشته نبود، درین دو سال حاکمیت باقی چنین توانایی را خواهند داشت؟ به نظر من با تأسف جواب منفی است.

درین جا مختصر به بخش مشخص این عوامل تمرکز نموده و آنرا بر می شماریم:

استفاده ناجائز از مفاهیم دیموکراسی، آزادی و عدم تطبیق قانون و استفاده ناسالم از اقتصاد بازار آزاد و بلاخره سیاست کدري غلط و نیز عدم موجودیت اراده واقعی سیاسی برای تطبیق قانون، معافیت قانونی و عدم مشروعیت سیاسی و مسلکی حاکمیت در موارد زیادی و عدم اخذ تدابیر با اتوریتته در موارد زیاد عمدی و یا عدم توانایی مسلکی عواملی اند که باید به آن متمرکز شد.

ما به گذشته های دور به خاطری نمیرویم که از آن نظام ها، با سیستم های معین اقتصادی و سیاسی کهنه و تاریخ زده شان نمیتوان توقع بهتر داشت. لذا ما به ده سال اخیر با امکانات و امید موجود از آن تمرکز میکنیم. به علت اینکه درین ده سال اخیر به میلیارد ها پول جامعه جامعه جهانی در اختیار حاکمیت های افغانی قرار داده شد و این حاکمیت از پشتیبانی وسیع سیاسی و معنوی جامعه جهانی برخوردار بود.

به یقین نتایج در برابر مدت زمانی سپری شده، آنهمه مساعدت ها و کمک ها برای این حاکمیت اصلاً قابل قبول نیست. این درست نیست که گفته شود ما موفقیت های داریم خو کمبودی های هم. این فریب (فریب مردم ما و فریب جامعه جهانی و قبل از همه فریب خودما) است.

تصادفی هم نیست که در بالا نوشتم «... درین ده سال اخیر به میلیارد ها پول جامعه جهانی در اختیار حاکمیت های افغانی قرار داده شد...» تأکید بجاء و درست نیست و فریب است آنچه وزیر مالی افغانستان بارها گفته که: «ما جوابگوی همان پولی هستیم که برای ما داده شده و از متباقی جوابگو نیستیم...» دولت به نحو مستقیم و غیر مستقیم از تمام مصارف صورت گرفته جامعه جهانی در افغانستان مسؤول است.

دولت در ده سال گذشته نتوانست بسترهای لازم کنترل و نظارت و هماهنگی درست برای مصارف پولهای خارجی در افغانستان را ایجاد کند.

دولت نتوانست در زمینه با کشیدن مسایل به مطبوعات، نقش و سهم جامعه و نظر وی را در تأمین دیموکراسی و شفافیت در مسایل اقتصادی بلند ببرد. پُل و پُلچک که به عنوان پُل و پُلچک با مصارف گزاف غیر ستنرد توسط کمپنی های معین ساخته شده و با مصارف گزاف غیر ستنرد به اکمال رسیده، اولاً باید در اخیر کار جواز استعمال برایش از جانب اداره دولتی افغانی داده نمیشد. از جانب دیگر اداره و حاکمیت افغانی محل باید جنس را در صورت کوالیته غیر ستنرد آن تسلیم نمیگرفت. در صورت تخلف از نورم های امنیتی متخلف به محاکمه کشانیده میشد، با گرفتن نظر متخصص فن در مورد قیمت اصلی و قیمت پرداخته شده به افشای متخلفین دولتی و افشای طرق دادن قرارداد ها انتشارات و اجراءات قانونی صورت میگرفت. دولت درین زمینه تدابیر و قاپویی و معالجوی لازم بعمل نه آورده است.

انحصارات و زمینه های برای انحصار مافیایی در سکتور های معین اقتصادی اصلاً با اقتصاد بازار آزاد امروز در توافق نیست و قابل قبول بوده نمیتواند. نمونه های مواد سوخت در بازار های افغانستان و بانک با روابط معین مافیایی نمونه های معین این تخلفات که واپس به خود همین حاکمیت برمی گردد.

مفقود شدن قانون ضد احتکار در بین حکومت و پارلمان افغانستان یک تاریخ سیاه قانون سازی و حاکمیت بی کفایت است که ثبت تاریخ قانون سازی در افغانستان خواهد شد.

بیانیم به تمام آن چیز ها، تخلفات و نواقص اساسی که حالا آنقدر روشن و واضح اند که مسئولین درجه اول کشور هم از آن صحبت دارند و قبول میکنند و به عدم وجود اراده سیاسی که من آنرا بودن روابط مافیایی میفهمم، اعتراف دارند.

لذا فساد اداری در کشور با ریشه ها و عوامل داخلی و خارجی آن عمدتاً به علت بی کفایتی اداره و حاکمیت موجود در ده سال اخیر در افغانستان است.

بلی جامعه جهانی در امر فساد گسترده در افغانستان بخاطری مؤفق گردیده که همکاران و شریکان داخلی تعیین شده توسط همین حاکمیت ها در افغانستان دارند.

بلی قانون خوب وجود ندارد، پالیسی اقتصادی درست وجود ندارد، اقتصاد بازار آزاد در شرایط امروز برای افغانستان بدون بکار گیری اقتصاد مختلط بحیث وسیله برای رسیدن به اقتصاد بازار آزاد، سیاست اقتصادی خوب و درست نیست. اما کی باید این همه را تنظیم و بهتر هماهنگ می ساخت و یا بسازد. جواب باز هم واضح است که این حاکمیت ده سال گذشته در افغانستان که سبب ضیاع وقت، فساد اداری و ب خاک شدن آرزو های مردم ما گردید و میگردد.

بلی ظرفیت های قانونی و کداری برای بهتر شدن وضع ایجاد نشده و این عامل باز هم عمدتاً به منجمت حاکم بر میگردد.

بلی اداره سالم و ساختار های اداری سالم که مردم حاکمیت را ایجاد و در خدمت خود بدانند ایجاد نشده و کار بس عظیم در این راستا وجود دارد. جرئت لازم سیاسی بخاطر اجرائت لازم به علت عدم موجودیت فهم لازم مسلکی و مشروعیت سیاسی مسلم و غیر قابل انکار است، کاریکه حتی در ظرف ده سال صورت نگرفته و ایجاد نشده که مسوول آن همین اداره حاکم است.

بلی معافیت و انحصار هر دو وجود دارد که قضیه کابل بانک سند روشن آن بوده و پس میگردد به همین حاکمیت. روشن کردن این قضیه را بوجود و عدم وجود رئیس کابل بانک در کابل و تحت اداره ایکه تضمین سر برای رئیس سابق کابل بانک داده نخواهد توانست، فریبی بیش نیست.

بلی مردم به آینده بخاطری ایمان ندارند که معیار اصلی خدمت، مشروعیت، فهم مسلکی برای نصب درین یا آن پُست دولتی نیست. اکثرأ اشخاص بخاطری در گُرسی های پُر درآمد دولتی اند که آدم کش دارند، مربوط این باند و یا آن باند استند، پسر و قریب این وزیر و آن وزیر و یا رئیس اند، به این و یا آن اداره استخباراتی ارتباط دارند و . . . لذا وفاداری، بقا و عدم بقا در این پُست به رضایت ملت و خدمت ارتباط ندارد بلکه به رضایت کسی که وی را به این مقام رسانیده است ارتباط دارد. چه این مقام داخلی است و یا هم خارجی. خدمت این شخص به همان مقام است نه به ملت.

صحبت های عوامفریبانه که خارجی ها باید به اقارب افراد دولتی قرار داد ندهند فریب است. باید بستر های قانونی ساخت که متخلف دستش گرفته شود. این بذات خود تبعیض و عام سازی غیر مشروع است. با بستر سازی قانونی و با قواعد روشن با متخلف و بستر قانونی مطرح باید دولت برخورد کلید ساز کرد.

جناب معظم خانه ات را هوش کن و همسایه را دزد میگیر. خود را اصلاح و قوی کن، اداره سالم با کفایت و در نتیجه کفایت با اتوریته ایجاد کن و با متخلف نشان دادن خارجی خود را از تخلف و ملامتی خارج مکن! به یقین که :

### چشم حرص آدمی را یا قناعت پُر کند یا خاک گور.

آمدیم به پاسپورت های خارجی و داخلی ها: مردم افغانستان مردم افغانستان اند و هر آنکه در خارج مدت زمانی را گذشتانه و بنا بر معاذیر مجبور به ترک وطن شده و اسناد دارند به گمان اغلب به یقین بشمول شخص اول کشور سند سفر خارجی خواهد داشت. این بذات خود کدام گناه نیست و یاد کردن آن هم به این منوال نادرست بوده و پوپولیزم و عوامفریبی بیش نیست.

همین نبودن اراده سیاسی برای اصلاح بر میگردد به همین حاکمیت و عدم ایجاد سیستم و نبودن بستر های قانونی و عدم تعقیب متخلف با بودن معافیت ها که واپس به این حاکمیت میگردد عوامل اساسی اند که متأثر کننده اند و بر می گردد به همین حاکمیت و بی کفایتی آن.

بلی دقیق و بجا است که مربی داری مربا بخور! سبب میشود تا روحیه ترس از تعقیب قانونی در صورت تخلف از بین برود و درجه تخلف از قانون بلند شود و این بدترین حالت ها برای خطر عدم تطبیق قانون و انکشاف جرایم در جامعه اند. حالتی که ما امروز در افغانستان داریم و عامل اساسی آن همین حاکمیت است.

بلی سیستم چنین خراب است که افرادی که در خارج زندگی میکنند و کاری را ساخته اند، معاش خوب دارند و یا مثلاً حد اقل ماه ۲۸۰۰ دالر معاش دارند چرا به افغانستان بیایند و مثلاً به ۱۰۰۰ دالر ماهوار کارکنند؟ اگر آمده اند یا قهرمان اند که فدایی کار کنند، که نمونه هایش درین عصر بسیار بسیار کم است و یا نیست. آمده اند معاش دولتی را مصرف مثلاً جیب خرچ کنند و دیگر در میلیون ها دالر چور و چپاول شریک شوند.

بلی عوامل دیگر غیر از عوامل داخلی این حاکمیت برای فساد اداری و این حالت رقت بار عوامل غیر عمده و غیر اساسی اند. واقعیت چنین است. با کم دقت به این نتیجه میتوان رسید. باید چاره جست. راه هایی وجود دارند اما در صورت حل اساسی مسایل این افراد بی کفایت مسلکی و قانونی و حافظان خارجی شان امکانات پُرکردن جیب های خویش را نخواهند داشت. بلی آنهایی که خود اعتراض میکنند ایجاد گر چنین وضع و این حاکمیت اند.

بلی فریاد ملت را کسی نمی شنود و کسی به داد این ملت تا حال نرسید. هرکه توانست کرد تا استخوان بُرد و این پروسه ادامه دارد.

بلی چنانچه دیگر جبروت های گذشته این حاکمیت هم خواهد گشت. اما تا دیگر نشده باید متوجه شد و دیگر دست از ظلم، تجاوز و تخلف برداشت و سر از دست این ملت مظلوم و بلاکشیده برداشت.

پایان

---

د پانو شمیره: له ۳ تر 3

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادښت: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په ځیر و لولئ